

# دخل استادان به خرجشان نمی خورد



زهرا رضانی  
خبرنگار گروه دانشگاه

بهره‌وری آموزشی و پژوهشی به عوامل مختلفی مانند مؤلفه‌های فردی، سازمانی، مدیریتی و محیطی بستگی دارد و هر کدام از این عوامل می‌تواند سهم بسزایی در کاهش یا افزایش بهره‌وری استادان در دوره حوزة مطرح شده داشته باشد. به‌طور مثال، در حوزة عوامل سازمانی، موضوعاتی مانند گزینش بی‌طرفانه، توانمندسازی و جو سازمانی علم‌محور، در حوزة عوامل محیطی موضوعاتی مانند ایدئولوژی، فشارهای سیاسی و فشارهای فرهنگی، در حوزة مدیریتی عواملی مانند سبک رهبری دانشگاه، نظام ارزیابی عملکرد، تخصیص منابع مادی، استراتژی و اهداف، و در حوزة فردی نیز موضوعاتی مانند صلاحیت‌ها و مهارت‌ها، دانشگاه محل تحصیل، سابقه اشتغال و سن و سال باید ملاک عمل قرار بگیرد. این مسئله نیز حائز اهمیت است که قطعاً حقوق و دستمزد می‌تواند سهم تعیین‌کننده‌ای در میزان بهره‌وری این قشر داشته باشد. چراکه عدم تناسب میان سطح درآمد و منزلت استادان موجب بروز رفتارهایی مانند تنوع‌گرایی جغرافیایی برای تدریس در نقاط مختلف کشور، عدم حضور کافی در محل دانشگاه برای انجام کارهای پژوهشی، عدم تخصیص زمان کافی به مشاوره و کمک به دانشجویان و حل مسائل آنان، عدم رسیدگی کافی به محتوا و ساختار پایان‌نامه‌های دانشجویان و عدم مشارکت استادان در فعالیت‌های اجرایی و فرهنگی خواهد شد، اتفاقی که می‌تواند تا تصمیم‌گیران برای جلوگیری از کاهش بهره‌وری استادان و مهاجرت آنان، شرایط را برای رسیدن به حقوق و دستمزد منطقی این قشر فراهم کنند.

محمد جواد صالحی، عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و فارغ‌التحصیل دکتری اقتصاد و مدیریت مالی آموزش عالی دانشگاه شهید بهشتی است و در حوزة سرمایه انسانی و بازار کار دانش‌آموختگان دانشگاهی تخصص دارد. او پیش‌تر نیز گزارش‌هایی با موضوع «بررسی وضعیت بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی ایران، آموزش‌های مهارتی و بازار کار»، «پویایی جمعیت و سرمایه انسانی در ایران» انجام داده است. این بار در گزارشی به سراغ یکی از اصلی‌ترین چالش‌های امروز اعضای هیئت علمی رفته و به بررسی سالانه حقوق و دستمزد استادان و روند تغییرات این حوزة از سال ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۲ پرداخته و وضعیت گذشته و حال معیشتی این قشر را مورد بررسی قرار داده است که در ادامه مشروح این گزارش را از نظر می‌گذرانید.

در این گزارش، حقوق و دستمزد استادان تازه استخدام وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و روند تغییرات این حوزة از سال ۱۳۸۰ مورد بررسی قرار گرفته است. در این سال، قیمت سکه در ابتدای دوره مدنظر حدود ۶۲ هزار تومان و نرخ دلار نیز ۸۰۵ تومان بوده است. آن‌طور که محقق بررسی کرده، با وجود اینکه آمار میزان رقم پرداختی به استادان در طول سال‌های مورد بررسی افزایش یافته، اما میزان قدرت خرید استادان در طول بیش از دو دهه گذشته روند نزولی به‌خود گرفته و به همین دلیل عملاً شرایط کاری برای این قشر سخت‌تر شده است. البته به گفته محقق در این گزارش، نرخ دلار در بالاترین حالت به قیمت ۵۰ هزار تومان و قیمت سکه هم در بالاترین میزان ۳۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده است؛ بنابراین چنانچه قیمت واقعی دلار و سکه در سال‌های اخیر مالاک محاسبه قرار بگیرد، قطعاً تغییراتی در آمار و تحلیل‌های ارائه شده ایجاد می‌شود (در زمان تهیه گزارش تحقیق، قیمت دلار بیش از ۶۰ هزار تومان و قیمت سکه بیش از ۴۰ میلیون تومان بود و در زمان تهیه گزارش حاضر نیز نرخ دلار به بیش از ۸۰ هزار تومان و قیمت سکه نیز به بیش از ۵۵ میلیون تومان رسیده است).

## نگاهی به ۴ سبقت حقوق استادان از تورم در دو دهه اخیر

آمارها نشان می‌دهد که نرخ رشد حقوق مزایای استادیار وزارت علوم در سال ۹۳ به نسبت یک سال قبل‌تر از خود، رشد ۱۵٫۹ درصدی را تجربه کرده است. در سال ۹۵ به نسبت ۹۴ تنها ۱۲ درصد بر حقوق این قشر اضافه شد، سهم اندکی که عملاً تأثیر چندانی در رقم پرداختی به استادان نداشت. در برخی سال‌ها، شرایط بدتر شده بود، به‌طوری‌که نرخ رشد حقوق در سال‌های ۹۶ و ۹۷ به ترتیب به ۱۰ و ۶ درصد رسید. در اواخر دهه ۹۰ اما مسئولان تصمیم گرفتند با اعمال افزایش فوق‌العاده جذب در فیش حقوقی، شرایط را کمی متفاوت کنند؛ افزایشی که نرخ رشد حقوق را برای این قشر به ۲۲٫۵ درصد در سال ۹۸ رساند. البته این افزایش یک سال بعد دوباره به ۱۵ درصد رسید. شرایطی که در سال ۱۴۰۰ دستخوش تغییر جدی شد و برای اولین بار در تمام این سال‌ها، استادان توانستند رشد ۶۹٫۶ درصدی را در میزان حقوق دریافتی‌شان تجربه کنند؛ همچنین میزان نرخ رشد حقوق آن‌ها در سال ۱۳۹۹ به ۳۰٫۷ درصد و یک سال بعدتر نیز به ۲۰ درصد رسید.

بررسی دقیق‌تر این آمار نشان می‌دهد که حقوق و دستمزد استادان در چهار مقطع رشد بیشتری از نرخ تورم داشته که یکی از آن‌ها در اوایل دهه ۸۰ و مابقی نیز در سال ۶۰ اخیر بوده است. در اولین مقطع، با رشد فزاینده ۱۵۴ درصدی در حقوق و دستمزد استادان برای سال ۱۳۸۲ مواجه بودیم که دلایلش هم برقرار شدن فوق‌العاده و ویژه برای این قشر بود؛ اتفاقی که باعث شد دستمزد یک هیئت علمی تازه استخدام در وزارت عتف (علوم، تحقیقات و فناوری) از ۲٫۹ میلیون ریال به ۷ میلیون ریال برسد؛ در حالی که نرخ تورم در آن سال طبق اعلام مرکز آمار ۱۵ درصد اعلام شده بود. موضوع زمانی پراهمیت‌تر می‌شود که بدانیم در آن سال نرخ رشد حقوق و دستمزد این قشر به نسبت تورم ۱۳۸ درصد بیشتر بوده است.

همچنین مقطع دوم افزایش قابل توجه حقوق را هم باید مربوط به سال ۱۳۹۸ دانست که به علت افزایش فوق‌العاده جذب هیئت علمی، حقوق و دستمزد از یک رشد حدود ۴۳ درصدی برخوردار و از ۴۸ میلیون ریال در ۱۳۹۷ به ۶۷ میلیون ریال در سال ۹۸ رسید؛ این در حالی بود که نرخ تورم در آن سال ۳۴ درصد بود. اتفاقی که نشان می‌داد حقوق این قشر توانست از نرخ تورم پیشی بگیرد. مقطع سوم را نیز باید به سال ۱۴۰۰ نسبت داد که با اجرای طرح همسازسازی، حقوق استادان هیئت علمی از یک رشد حدوداً ۷۰ درصدی برخوردار شد و از ۷۷ میلیون ریال در سال ۱۳۹۹ به ۱۳۱ میلیون در سال ۱۴۰۰ رسید. در حالی که رشد ۷۰ درصدی دستمزد و حقوق اعضای هیئت علمی اتفاق افتاد، متوسط رشد قیمت‌ها در این سال یعنی ۱۴۰۰ به حدود ۲۰ درصد رسیده بود.

در نهایت مقطع چهارم افزایش حقوق فراتر از نرخ تورم هم در سال ۱۴۰۱ رخ داد که در آن شاهد افزایش حقوق تحت عنوان جهش علمی بودیم؛ هرچند که این مهم شامل حال همه استادان نشد و تنها استنادی که برخی از شرایط مانند دریافت پایه ترفیع سال‌قبل را داشته، می‌توانستند از آن بهره‌مند شوند؛ اما با در نظر گرفتن نرخ رشد ۳۰ درصدی باید عنوان کرد که با وجود اینکه این افزایش از نرخ تورم آن سال که حدود ۸/۴۵ درصد بوده، جا مانده بود؛ اما در مجموع باید این مسئله را هم مدنظر قرار داد که نرخ رشد حقوق در این سال از میانگین نرخ رشد ۱۰ سال گذشته بیشتر بوده است.

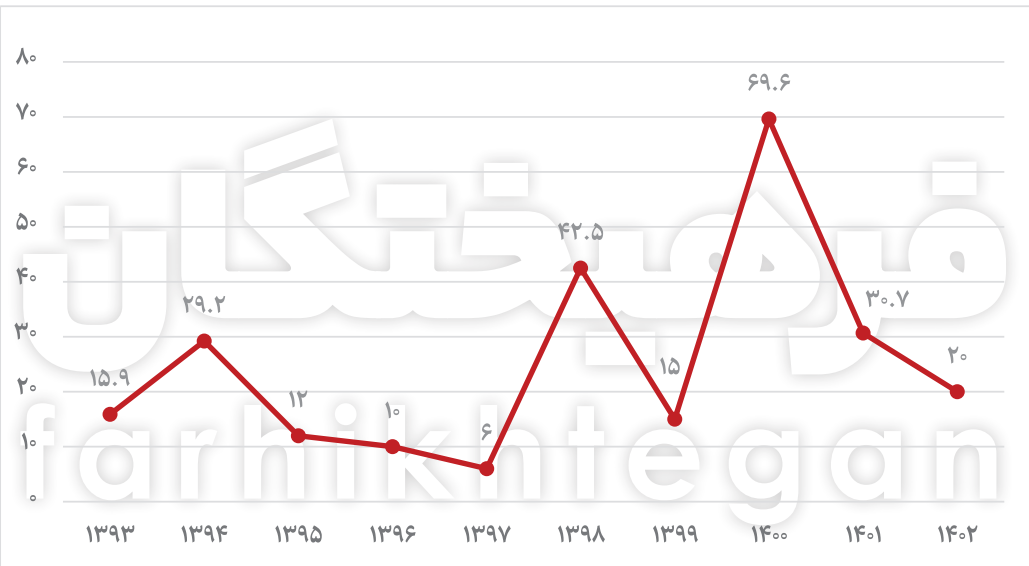
## رشد بیش از ۶۰ درصدی حقوق استادان در ۱۰ سال گذشته

شاید در نگاه اول حقوق و دستمزد این قشر از ۲ میلیون و ۴۱۰ هزار تومان در سال ۹۲ به ۲۰ میلیون و ۵۴۰ هزار تومان در سال ۱۴۰۲ رسیده باشد؛ اما افزایش میزان پرداختی‌ها به مثابه افزایش قدرت خرید استادان محسوب نمی‌شود. بررسی یک دهه گذشته نشان می‌دهد که حقوق پرداختی به استادان رشد ۶۳٫۶ درصدی داشته، اما با این حال در بهترین حالت با هم مبلغ پرداختی به استادان پایه یک وزارت علوم از ۲۵ میلیون تومان فراتر رفته است. مسئله دیگر اینکه از سال ۱۴۰۰ به بعد میزان پرداختی به استادان از ۱۰ میلیون تومان فراتر رفته است؛ در حالی که نمی‌توان این

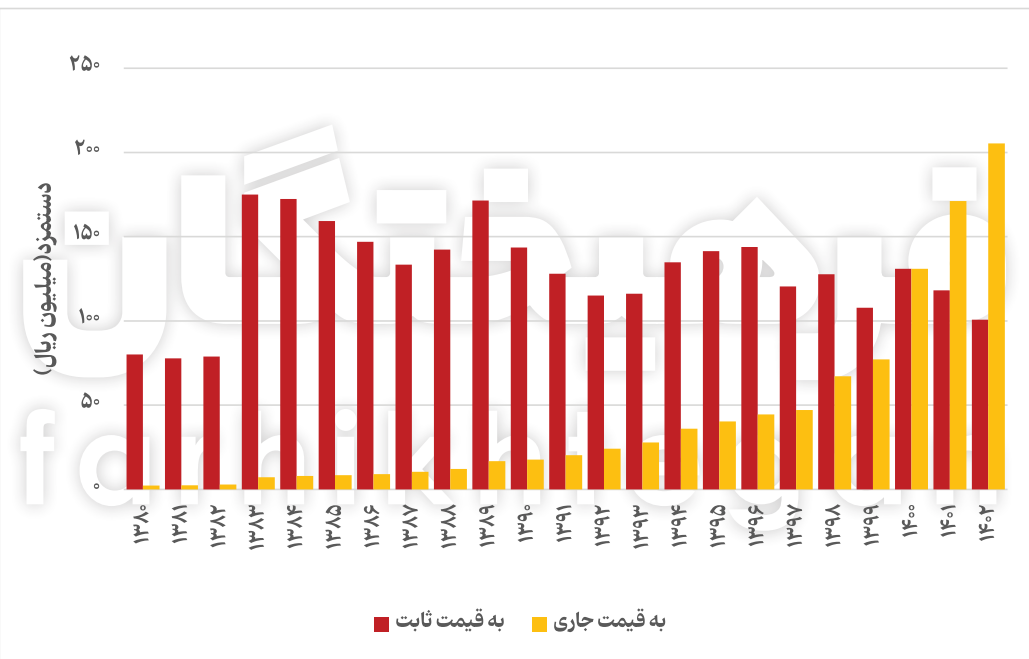
مسئله را هم کتمان کرد که دریافت حقوق در شرکت‌های خصوصی به مراتب بیشتر از رقم‌های پرداختی به استادان بوده است و همین مسئله می‌تواند خود به‌عنوان یکی از عوامل بی‌انگیزگی برای حضور در عرصه‌های دانشگاهی از سوی این قشر تلقی شود.

## درآمد واقعی استادان چقدر است؟

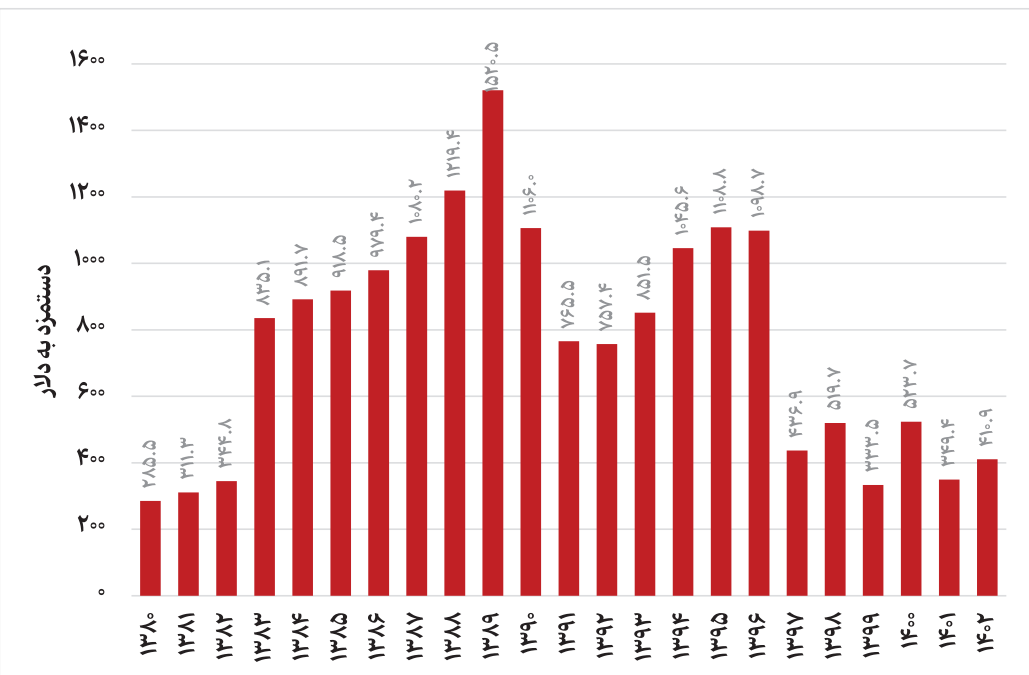
با وجود اینکه طبیعتاً افزایش میزان پرداختی به استادان می‌تواند به‌عنوان یک نشانه مثبت تلقی شود؛ اما وقتی رقم پرداختی را در مقایسه با قیمت‌ها و میزان هزینه‌هایی که پیش روی استادان وجود دارد، قرار می‌دهیم، باید عنوان کرد که در عمل افزایش حقوق توانسته به‌ویژه برای استادان جوان دغدغه‌های معیشتی را برطرف کند. محقق



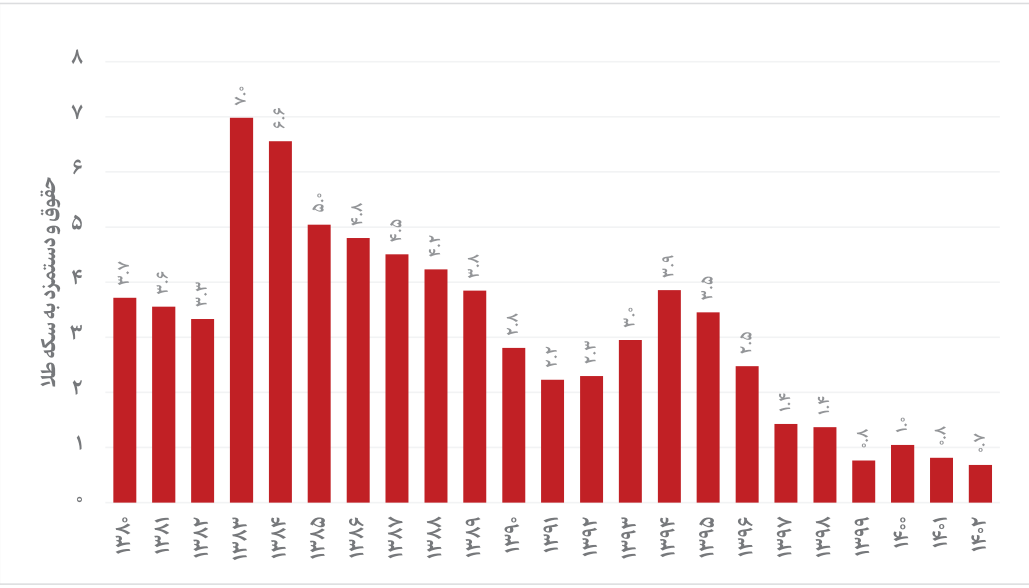
نرخ رشد حقوق استادان تازه استخدام وزارت عتف (درصد)



مقایسه دستمزد جاری و واقعی عضو هیئت علمی پایه یک وزارت عتف طی سال‌های مختلف (۱۴۰۰=۱۰۰)



محاسبه دستمزد اعضای هیئت علمی پایه یک وزارت عتف به دلار



محاسبه حقوق و دستمزد اعضای هیئت علمی پایه یک وزارت عتف به سکه طلا

این گزارش معتقد است دستمزد واقعی استادان نصف مبلغ پرداختی به آن‌ها در سال ۱۴۰۲ بوده است.

درآمد واقعی از تقسیم درآمد اسمی (فیش حقوقی) به شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی ضرب در ۱۰۰ بدست می‌آید. اتفاقی که در اوایل دهه ۹۰ با وجود اینکه سهم حقوق پرداختی به آن‌ها به مراتب کمتر از امروز بود؛ اما در آمد واقعی ۴ برابر بیشتر از حقوق پرداختی به آن‌ها بود. به عبارت دقیق‌تر در سال ۹۳ با وجود پرداخت ماهانه ۲ میلیون و ۷۰۹ هزار تومان، درآمد واقعی استادان ۱۱ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان بوده است یعنی عملاً استادان در آن سال قدرت خرید بالایی داشتند اما در آمد واقعی آن‌ها در سال ۱۴۰۲، ۱۰ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان بوده؛ آن هم در شرایطی که مبلغ پرداختی به آن‌ها ۲۰ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بود. این مسئله اواسط دهه ۹۰ شرایط قابل قبول‌تری داشته، به‌طوری‌که در سال ۱۳۹۵ با وجود اینکه استادان میزان دریافتی‌شان ۴ میلیون تومان بوده، اما قدرت خرید واقعی‌شان به ۱۴ میلیون تومان می‌رسید (ارقام واقعی که قدرت خرید را نشان می‌دهد به قیمت ثابت سال ۱۴۰۰ محاسبه شده‌اند)؛ قدرت خریدی که هر چه جلوتر آمدیم، کم‌تر می‌شد.

## حقوق استاد پایه یک، چند دلار می‌شود؟

وضعیت حقوق و دستمزد استادان در مقابل نرخ دلار و سکه نیز در این نشست مورد بررسی قرار گرفت که نشان می‌دهد حقوق استادان با در نظر گرفتن نرخ دلار و قیمت سکه شرایط نامطلوبی را تجربه کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال ۹۰ استادان پایه یک وزارت علوم به میزان هزار و ۱۰۶ دلار حقوق می‌گرفتند که این میزان در سال ۱۴۰۲ به ۴۱۰ دلار رسیده است. در حقیقت حقوق و دستمزد استادان از حیث پرداختی روند افزایشی داشته اما از لحاظ قدرت خرید شیب نزولی را طی کرده است، به‌طوری‌که از همان اوایل دهه ۹۰ بستر کاهش ارزش حقوق استادان در مقایسه با قیمت دلار شروع شد. حقوق پرداختی به استادان در سال ۹۲ به میزان ۸۵۱٫۵ دلار می‌رسید و این روند در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۱ وضعیت به مراتب بدتر را تجربه کرده، به‌طوری‌که در این سال‌ها به ترتیب ۳۳۳ و ۳۴۹ دلار حقوق استادانی می‌شد که در زمره استادان پایه یک وزارت علوم تعریف می‌شدند. قطعاً در این وضعیت شرایط به گونه‌ای نیست که انتظار داشته باشیم افراد تمایل جدی برای رسیدن به کرسی‌های تدریس و تحقیق و نظر به پردازی در دانشگاه‌ها داشته باشند. آن هم در شرایطی که قیمت دلار همان‌گونه که در اوایل گزارش عنوان شد، حتی از زمان تدوین این گزارش هم باز دستخوش تغییرات جدی شده و عملاً قدرت خرید این قشر را به مراتب کمتر کرده است.

## ارزش حقوق استادان از ۷ سکه به نیم سکه رسید!

بررسی قدرت خرید استادان دانشگاه‌های کشور با ملاک قراردادن قیمت سکه هم وضعیت اسفناکی را نشان می‌دهد؛ هر چند که در ابتدای این گزارش هم قید شده که قیمت سکه مورد محاسبه قرار گرفته در بالاترین حالت به ۳۰ میلیون تومان رسیده، اما همین قیمت هم نشان‌دهنده سقوط وحشتناک قدرت خرید استادان است. برای درک بهتر مسیر طی شده باید نسبت به این مسئله اشاره کنیم که استادان در سال ۱۳۸۳ می‌توانستند با یک ماه حقوق خود، ۷ سکه خریداری کنند؛ اما این میزان در سال گذشته به ۰٫۷ سکه رسیده است! هر چند طبق صحبت‌های صالحی، با بالا رفتن تقاضا برای خرید سکه، قیمت آن مانند دلار افزایش پیدا می‌کند و یکی از دلایل افزایش افسارگسیخته قیمت سکه را هم باید همین افزایش تقاضای سال‌های اخیر دانست؛ اما در مقابل وقتی امروز عضو هیئت علمی کشور نمی‌تواند با حقوق دریافتی‌اش حتی یک سکه کامل خریداری کند، عملاً نشان می‌دهد که شرایط به مراتب برای قشر نخبگانی کشور سخت‌تر شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد از سال ۱۳۹۸ به بعد عملاً حقوق استادان برای خرید حتی دو سکه هم کافی نبوده و این میزان از سال ۱۴۰۰ به بعد عملاً به زیر یک سکه رسیده است.

مسئله اصلی این است که در کشورهایی که با چالش تورم دست‌وپنجه نرم می‌کنند، قیمت دلار و طلا نشان‌دهنده وضعیت زندگی و قدرت خرید افراد خواهد بود؛ مسئله‌ای که به عقیده محقق باعث می‌شود تا عملاً طلا و دلار را به‌عنوان مؤلفه‌های مهم در تعیین قدرت خرید استادان مدنظر قرار داده و توان نقش آن‌ها را در قدرت خرید اقسام مختلف از جمله استادان نادیده گرفت. در حالی باید به‌عدم قدرت خرید یک سکه در ماه از سوی استادان کشور اشاره کرد که پرداخت دلاری حقوق به‌ویژه در کشورهای حاشیه خلیج فارس به استادان، یکی از چالش‌های مهم حفظ نخبگان در داخل مرزها محسوب می‌شود.

## مسئولان در خواب؛ استادان در فکر مهاجرت

ملاک اصلی برای بدست آوردن آمار این گزارش، اعداد ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران بوده است. محقق معتقد است اگر قرار بود شاخص قیمت بانک مرکزی به‌جای شاخص قیمت مرکز آمار لحاظ شود، عملاً میزان حقوق پرداختی و قدرت خرید استادان از آنچه در این گزارش آمده هم وضعیت بدتری پیدا می‌کرد. البته نمی‌توان این مسئله را هم نادیده گرفت که اگر بنا بر نرخ دلار به قیمت واقعی آن که حدود ۶۰ هزار تومان در زمان انجام تحقیق و حدود ۸۰ هزار تومان در زمان تهیه این گزارش بود و همچنین سکه نیز به قیمت بیش از ۴۰ و ۵۵ میلیون تومان در زمان انجام تهیه گزارش، در نظر گرفته شود، وضعیت به مراتب بدتری می‌شد و احتمالاً باید عنوان می‌شد که تدریس در دانشگاه‌ها دیگر صرفه اقتصادی برای استادان ندارد!

## کلام آخر

در این بررسی برای نشان دادن قدرت واقعی درآمد اعضای هیئت علمی از ۳ فاکتور و شاخص استفاده شده که شامل شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی تولید شده توسط مرکز آمار ایران که نرخ تورم سالانه با آن‌ها محاسبه می‌شود و نیز شاخص‌های قیمت ارز و قیمت طلا است که به قیمت آزاد از سایت رسمی کشور ملاک محاسبه قرار گرفته است. نتایج حاصل از هر ۳ متغیر هم نشان از کاهش قدرت خرید اعضای هیئت علمی در طول زمان داشته به‌طوری‌که در سال‌های اخیر یعنی ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۲ توان و قدرت خرید آن‌ها حتی از سال‌های اولیه مطالعه یعنی سال‌های ۸۰ تا ۸۲ هم کمتر شده است. واقعیت این است که دولت و سیاست‌گذاران باید فکر اساسی برای میزان پرداختی به اعضای هیئت علمی در دانشگاه‌ها کنند؛ فکری که در میدان واقعیت بتواند هم از میزان مهاجرت این قشر بکاهد و هم شرایط را برای انجام کارهای پژوهشی کاربردی و مسئله‌محور و گسترش مرزهای دانش فراهم کند. در غیر این صورت تنها عایدی که تداوم شرایط فعلی برای آموزش عالی کشور به همراه خواهد داشت، افزایش نرخ مهاجرت استادان و خالی شدن دانشگاه‌ها از وجود استادان خواهد بود. لازم به یادآوری است که حقوق پرداختی به اعضای هیئت علمی برای فکر و تولیدات آنان است که ممکن است در ساعات اداری انجام نگردد و به نظر محقق مقایسه حقوق آن‌ها با لحاظ کردن ساعات اداری کاری غلط و در مقایسه با سایر کارکنان، قیاس مع الفارق است. به نظر صالحی اگر عشق و حسن مسئولیت اجتماعی و شاید پرسش اجتماعی شغل معلمی و استادی نبود، قطعاً افراد کمتری حاضر به کار در این شغل حساس می‌شدند و کلام پایانی اینکه به نظر می‌رسد حقوق اعضای هیئت علمی از متوسط حقوق مراکز دولتی کشور بیشتر است و حال وضعیت را با این ارقام و اعدادی که ذکر شد و افزایش روزافزون قیمت سکه و دلار برای معلمان کشور و اعضای غیرهیئت علمی (یاوران علمی) در نظر بگیرد تا عمق فاجعه بیشتر درک شود.